



### شهید کاظم کیان پیشه

ولادت: ۱۳۳۴/۳/۲۵، استان تهران

کارشناس رادیوتراپی بیمارستان امام حسین (ع)

شهادت: ۱۳۸۱/۱/۲۳، جانباز شیمیایی، بیمارستان امام حسین (ع)

آرامگاه: تهران، بهشت زهرا، قطعه ۵۰، ردیف ۷۷، شماره ۵

### زندگی نامه

شهید کاظم کیان پیشه در بیست و پنجمین روز از خرداد ۱۳۳۴ در تهران متولد شد. پس از پایان دوره تحصیل در زادگاهش، موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته رادیولوژی گردید و در مراکز نظیر دانشگاه، بیمارستان و وزارت کشور خدمت نمود. او یکی از بنیان گذاران انجمن اسلامی در دانشگاه شهید بهشتی و بیمارستان های وابسته به ویژه بیمارستان امام حسین (ع) و بیمارستان جرجانی بود و مدتی مدیریت بیمارستان های مصطفی خمینی و شهید مدرس را بر عهده داشت. با آغاز جنگ، سال های متوالی در جبهه حضور یافت و در سال ۱۳۶۶ در عملیات والفجر ۸ در منطقه عملیاتی فاو مجروح شیمیایی شد و از ناحیه چشم و شکم دچار سوختگی شدید گردید. او سرانجام در بیست و سوم فروردین ۱۳۸۱ در بیمارستان امام حسین (ع) به خیل یاران شهیدش پیوست.

### فرازی از وصیت نامه

چند نکته ای را یادآور می شوم:

نخست این که بنا به تکلیف و حراست و پاسداری از خون شهدای انقلاب اسلامی، خود به این راه آمدم تا این شاء الله در حد توان دینم را ادا نمایم؛ امید است با رحمت و اسعه باری تعالی قبول افتد.

آیا در زمانی که ابرقدرت‌ها علاوه بر نجوا و دیدارهای پنهانی عملاً ملاقات‌های چند ساعته گذاشته و مانند لبه‌های تیز قیچی با لعاب استعمار و عمران و ترقی، ملت‌ها را تحت سلطه داشته‌اند و ملت ما با اتکای به الله و رهبری داهیانه قائد معظم «امام خمینی» قیام کرد، طاغوت را برانداخت و دست بر بنای نظام اسلامی زد و استمرار حرکت و آیات قرآن را بنا کرد و در قرن بیستم آنان که در کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌ها و مجامع دیپلماسی و بین‌المللی، داعیه پیشرفت علم و تکنولوژی دارند، اما هوپیمای مسافری را در آسمان به نحوی مورد هجوم قرار می‌دهند که شاید آثاری از آن عزیزان یافت نشود و نوکری قلدر که قلدری را از ابرقدرت‌ها الهام گرفت و چند سال تجاوز و هتک حرمت کرد و متجاوز نامیده نشد، آنگاه ما که او را بیرون کرده و از تیررس تا پشت دروازه فاو راندیم، متجاوزیم؟! بمباران شهرهای کوچک و بزرگ در کدام برگ آیین‌نامه حقوق بشر بوده که به چشم نمی‌آید، یا این‌ها عینک عوام‌فریبی زده‌اند؟! استفاده از سلاح شیمیایی و میکروبی، گویای آن است که این‌ها همه برای فریب و تحذیر مسلمین و مستضعفان عالم است.

نکته دیگر، تولد اینجانب در انقلاب اسلامی بود و تجلی آن در رهبر عزیز که تاریخ نتواند این چنین موجودی الهی بیابد و خوشا به سعادت آنان که در ولایت این قائد عظیم، با اسلام و به خاطر اسلام عزیز از دنیا رفتند.

ای امام عزیز! من از حضورتان استدعا دارم که به خاطر حفظ اسلام و به خاطر حراست از خون شهدا با خلوصی که در وجود جنابعالی هست، از خدا بخواهید که تا ظهور صاحب اصلی انقلاب، حضرت مهدی موعود (عج)، حفظتان نماید.

امام عزیز! می‌بینی که در کویر خوزستان (خونستان) چگونه نوجوانان سپید دل و پیر مردان قوی و سپید موی با سر بندهای یک‌رنگ، نمود عینی گفتارت می‌شوند و هر کدام دلی چون شیر در سینه دارند.

از پدر رنج دیده‌ام که با مشقت فراوان مرا به این مرحله رساند و مادر مهربانم که می‌دانم، آن قدر یکدیگر را دوست داریم که عذر مرا به خاطر عدم خداحافظی به علت کمبود وقت می‌پذیرد. مادرم! می‌خواهم که بعد از من صبور و مقاوم باشی و هر وقت جوانی را در خیابان با لباس رزم دیدی، او را فرزند خطاب کنی؛ زیرا ما همه در کنار هم هستیم و همه فرزندان شما هستیم. خداوند نیز امداد خود را بر صابران معطوف می‌دارد. همان گونه که در این دنیا نگران اسلام عزیز بودم، پس از لقاء الله نیز چشمم به شماسست و در صورت پیشامدها باز هم از خدا یاری بخواه و «او» می‌دهد که مقاوم و معلم دیگران باشی؛ **إن شاء الله!**

خواهرانم را سخنی ندارم که بحمدالله همه جلوتر از من هستند و برادرانم را نیز تقاضامندم اسلام را یاری نمایند و مدافع اسلام عزیز باشند و از زخم یاهوگویان نرنجند و مستحکم‌تر شوند.

از همسر عذر می‌خواهم که نتوانستم خدمت‌گزار شایسته‌ای برایش باشم و این‌شاءالله کوتاهی و قصورم را که اتکا به لذایذ دنیا نبوده، بلکه این‌شاءالله خدمت بیشتر به دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده، ببخشاید که خود نیز قبلاً پذیرفته است.

دوستان عزیزی که باعث رنجش خاطرشان شده‌ام، مرا عفو نمایند. قرآن را با تفکر بخوانید و نهج-البلاغه و سخنان حضرت امام را مطالعه کنید.